

## اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی ایران: راهبردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات

دکتر کاظم یآوری\*

رحمان سعادت\*\*

**چکیده:** این مقاله مطالعه‌ای تجربی است که به تأثیر تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری بر روی رشد اقتصادی در ایران پرداخته است. رشد اقتصادی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی را تحت راهبردهای (استراتژیهای) تجاری برای سالهای ۴۰-۸۰ آزمون و بررسی کرده‌ایم. نتایج حاصل شده نشان می‌دهد که رشد اقتصادی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی تحت راهبرد توسعه صادرات بیشتر از رشد اقتصادی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی در شرایط جایگزینی واردات است. به عبارت دیگر، در سیاست جایگزینی واردات، حمایت شدید دولت از صنایع داخلی، به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه رقابت با صنایع داخلی را نمی‌دهد. بنابراین، سهم سرمایه‌گذاری خارجی در رشد اقتصادی کاهش می‌یابد، در صورتی که این سهم در شرایط سیاست توسعه صادرات بالاست. به طور کلی، نتایج این مطالعه، نظریه باگواتی را در مورد ایران تأیید می‌کند.

**کلیدواژه:** سرمایه‌گذاری خارجی، رشد اقتصادی، راهبرد جایگزینی واردات، راهبرد توسعه صادرات

\* دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

\*\* دانشجوی دکتری رشته اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ۲۷ - پاییز ۱۳۸۴

## مقدمه

شاید یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین عواملی که باعث رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌شود، سرمایه‌گذاری خارجی است. کشورهایی که سرمایه‌گذاری خارجی را جذب می‌کنند، پس‌اندازی فراتر از پس‌انداز داخلی پیدا می‌کنند. افزون بر این، سرمایه‌گذاری خارجی یک ابزار مهمی برای انتقال فناوری و نوآوری جدید از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه است. از طرفی شواهد معتبری وجود دارد که نحوه تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی متنوع است و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و همچنین، بسته به شرایط حاکم بر اقتصاد کشورها شدت و سازوکار اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی تغییر می‌کند.

یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصادی کشورهایی که سرمایه‌گذاری خارجی در آنها صورت می‌گیرد، راهبردهای تجارت خارجی آن کشورهاست. نظریه اثر رژیم سیاست تجاری بر رشد ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی، اولین بار توسط باگواتی در سال ۱۹۷۸ عنوان شد (Bhagwati, 1997). این نظریه توسط ایشان و دیگران با عناوین نظریه رشد قهقرایی گسترش پیدا کرد (Bhagwati, 1994 & 1985; Brecher & Diza-Alejandro, 1997; Brecher & Findlay, 1997).

مسئله مطرح در این ارتباط، چگونگی و میزان اثر سیاستها و راهبرد جایگزینی واردات و توسعه صادرات بر رشد حاصل از سرمایه مستقیم داخلی بود. فرضیه که در اینجا حاکم است، به فرضیه باگواتی مشهور است. بر اساس این نظریه، رشد حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی تحت شرایط راهبرد جایگزینی واردات کمتر از زمانی است که راهبرد توسعه صادرات در پیش گرفته می‌شود. علی‌رغم وضوح خوب فرضیه مذکور، مطالعه تجربی اندکی در زمینه آزمون این فرضیه صورت گرفته است که از جمله آنها به مطالعات بالاسابرامنیام و همکاران (Balasubramanyam et al., 1996)، آثورکول و چاند (Athukorala & Chand, 2000) می‌توان اشاره کرد. از طرفی این پژوهشها بیشتر بر اساس داده‌های سری مقطعی انجام شده است و مبتنی بر فرض همگن بودن کشورهاست که این فرض به دلیل متنوع بودن کشورها از جنبه‌های مختلف فرض مناسبی به نظر نمی‌رسد. در میان مطالعات انجام‌شده در این خصوص فقط یک بررسی

سری زمانی توسط کوهپایبون (۲۰۰۱) برای کشور تایلند است که نظریه باگواتی را تقویت می‌کند.

هدف از این مقاله و مطالعه بررسی نظریه باگواتی بر اساس داده‌های سری زمانی برای ایران است. با توجه به اینکه در چند دهه گذشته هم سیاست توسعه صادرات و جایگزینی واردات برای توسعه کشور در پیش گرفته شده، لذا ایران هم مورد مناسبی برای بررسی نظریه باگواتی است. از طرف دیگر ایران در مقاطع مختلف از سرمایه‌گذاری خارجی برای تسریع در رشد اقتصادی استفاده کرده است. در دوره قبل از انقلاب بیشتر سیاست جایگزینی واردات مورد توجه بود، اما در دوره بعد از انقلاب اسلامی این سیاست توسعه صادرات بود که به عنوان سیاست توسعه کشور استفاده شد؛ بنابراین، در این مطالعه به دنبال بررسی، کاوش و سنجش تأثیر رژیم تجارت خارجی بر اثر رشد حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) در ایران هستیم.

مقاله حاوی چهار قسمت است؛ بعد از مقدمه در قسمت دوم، مروری بر ادبیات نظری و سیاستهای تجاری (جایگزینی واردات، توسعه صادرات و جهش صادراتی) خواهیم داشت. در قسمت سوم، راهبردهای سیاست تجاری خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و در بخش چهارم، چارچوب نظری و الگوی (مدل) مقاله را بررسی می‌کنیم. در قسمت پنجم داده‌ها و روش‌شناسی برآورد الگو و همچنین نتایج آزمونهای ریشه واحد و همگرایی آمده است. بخش ششم نتایج تجربی الگو و نتایج تجزیه و تحلیل می‌شود و سرانجام، در قسمت هفتم خلاصه و نتایج نهایی مقاله و پیشنهادات آمده است.

#### ۱. مروری بر سیاستها و راهبردهای تجاری

در قالب مبانی نظری، دو راهبرد عمده جایگزینی واردات و توسعه صادرات مطرح است.

مطابق تعریف باگواتی، سیاست جایگزینی واردات از جمله راههای توسعه اقتصادی - صنعتی به شمار می‌رود که در چارچوب راهبردهای درون‌گرا قرار می‌گیرد. این سیاست که طی آن یک کشور اقدام به مهیا کردن بستری مناسب برای صنعت خود

می‌کند، به جای واردات، خصوصاً واردات محصولات صنعتی، به ایجاد صنایع لازم به منظور تولید داخلی آن محصولات اقدام می‌کند. به عبارت دیگر، طی این راهبرد، کشور می‌کوشد با انجام تولید داخلی، جای کالاهای وارداتی را پر کند و سرانجام خود را از واردات بی‌نیاز کند. سیاست جایگزینی واردات به شکل کاربردی و عملی، عمدتاً از دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ گسترش یافته است؛ زیرا کاهش تقاضای جهانی برای کالاهای اساسی و مواد خام، کسری روزافزون‌تر از پرداختهای کشورهای در حال توسعه و ایده‌های بین‌المللی مبنی بر صنعتی شدن این کشورها از راه سیاست مذکور، منجر به شدت کاربرد این سیاست در دو دهه مذکور شد. این سیاست در کشورهای اروپایی و کشورهای بزرگ صنعتی نظیر انگلستان، از بدو انقلاب صنعتی و در کشورهای جهان سوم از قبیل برزیل و هند، بعد از جنگ جهانی دوم و به دنبال استقلال سیاسی و نیل به خودکفایی اقتصادی به کار گرفته شد.

سیاست توسعه صادرات (تشویق صادرات) در چارچوب راهبردهای برون‌گرا می‌گنجد. توسعه صادرات عبارت است از صادرات محصولات غیرسنتی اعم از کالاهای اولیه، نیمه‌ساخته و کالاهای ساخته‌شده صنعتی به طوری که جانشین صادرات کالاهای سنتی اولیه قرار گیرند. توسعه صادرات، معرف گرایش به تجارت آزاد و تجارت بین‌المللی است. این سیاست نشان می‌دهد که یک کشور تا چه میزان متوجه بازارهای جهانی و تابع نیازها و تقاضای خارجی است. توسعه صادرات، عامل تقویت تجارت آزاد خارجی است؛ بنابراین، طبق نظریه کلاسیکها، تجارت آزاد باعث هدایت تولید و تخصیص منابع در جهت تولید کالاهای با مزیت نسبی می‌شود و چون رشد صنعتی در جهت استفاده بهینه از منابع تولید و در قالب بازارهای جهانی به دست می‌آید، توأم با کارایی اقتصادی است و منجر به ایجاد تخصص می‌شود که این تخصص می‌تواند با آموزشهای علمی - کاربردی لازم توأم شود و زمینه‌ساز توسعه اقتصادی گردد. امروزه این سیاست به راهبرد تلاش برای صادرات با کمترین هزینه ممکن و جایگزین شدن صادرات محصولات صنعتی به جای صادرات محصولات سنتی تعمیم یافته است. در قالب این سیاست، یک کشور باید به صادراتی روی آورد که در آن به طور بالقوه مزیت نسبی داشته باشد (برادران شرکاء و صفوی، ۱۳۷۶).

در این میان سیاست جدیدی که در سالهای اخیر در ایران بسیار توجه شده است، سیاست جهش صادراتی است. جهش صادراتی به مفهوم افزایش سریع و مستمر در صادرات غیرنفتی کشور است، به گونه‌ای که ضمن جلوگیری از کاهش سهم صادرات کشور در جهان، در بلندمدت سهمی معادل سهم کشور در جمعیت، ساخت و منابع طبیعی جهان (حدود یک درصد) را در صادرات جهان محقق سازد. دستیابی به جهش در صادرات غیرنفتی کشور مستلزم آن است که سیاستهای کلان کشور در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و نیز سیاستها و راهکارهای بازرگانی در این راستا طراحی و ... اجرا شود.

## ۲. مروری بر سرمایه‌گذاری خارجی و سیاستهای تجارت خارجی در ایران

در این بخش برای تبیین بهتر موضوع، سیاست تجاری و توسعه‌ای کشور و همچنین روند سرمایه‌گذاری خارجی در طی نیم قرن اخیر در کشور را بررسی می‌کنیم.

### ۲-۱. راهبردهای تجارت خارجی در ایران

در سالهای بعد از ۱۳۴۰ راهبردی که در ایران در پیش گرفته شد، این بود که بازار بزرگی در داخل کشور برای مصرف محصولات صنعتی ایجاد شود که عمدتاً متکی به وارداتی باشد که از طریق نفت تأمین شود و در مرحله بعد، صنایعی ایجاد شود که به تولید کالاهایی که بازار آنها در کشور فراهم شده است، پردازد (عظیمی، ۱۳۷۴).

از سال ۱۳۶۲ که به دلیل وقوع شوک منفی در قیمت نفت و تنگ‌تر شدن محاصره اقتصادی، دولت بر لزوم گسترش صادرات غیرنفتی تأکید کرد و آیین‌نامه‌هایی را به تدریج تصویب کرد که عمده تمرکز و نقطه ثقل این مقررات بر تشویق صادرات غیرنفتی از طریق ابزارهای اعتباری و ارزی بود. دولت مجموعه سیاستهای پولی و مالی و اصلاحات نهادی را در پیش گرفت که تقویت ظرفیتهای صادراتی و افزایش قدرت رقابتی صادرکنندگان کالاهای صنعتی و افزایش قدرت رقابتی صادرکنندگان کالاهای صنعتی در یک فرایند معین طلب می‌کرد.

جدول (۱): راهبردهای تجاری، رشد اقتصادی و رشد صادرات در طی برنامه‌های توسعه کشور

برنامه	دوره زمانی	راهبرد تجاری	نرخ رشد متوسط سالانه	
			صادرات غیر نفتی (درصد)	تولید ناخالص ملی (درصد)
قبل از انقلاب				
برنامه اول	۱۳۲۸-۳۴	فاقد راهبرد تجاری	—	—
برنامه دوم	۱۳۳۵-۴۱	فاقد راهبرد تجاری	—	۴/۶
برنامه سوم	۱۳۴۲-۴۶	جانشینی واردات	۶/۹	۱۲/۲
برنامه چهارم	۱۳۴۷-۵۱	جانشینی واردات	۱۳/۵	۱۴/۲
برنامه پنجم	۱۳۵۲-۵۶	سیاست درهای باز	-۱۵/۶	۸/۱
بعد از انقلاب				
برنامه اول	۱۳۵۷-۶۷	فاقد راهبرد	—	—
برنامه اول	۱۳۶۸-۷۲	تشویق صادرات همراه با محدودیت واردات	۳۸	۷/۹
برنامه دوم	۱۳۷۴-۷۸	گرایش به راهبرد بروننگرا	—	۵

منبع: برگرفته از متن برنامه‌های توسعه

جدول (۱) خلاصه‌ای از راهبردهای تجاری، رشد متوسط سالانه صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی سالانه ایران را در طول برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد. عمده تأکید این جدول بر راهبرد و راهبرد توسعه جایگزینی واردات است و در دوره بعد از انقلاب به راهبرد توسعه صادرات منتقل شده است.

## ۲-۲. روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

کشورهای در حال توسعه به دلیل نقش بالقوه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به جذب آن فوق‌العاده علاقمندند و اقداماتی را عمل می‌کنند که سرمایه‌گذاران خارجی را تشویق به سرمایه‌گذاری مستقیم در کشورشان کنند. در ایران نیز به واسطه کاهش قیمت نفت در مقاطع مختلف و پایین بودن نرخ پس‌انداز (به خصوص پس‌انداز خانوار)، منابع کافی برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اقتصادی کاهش یافته بود، لذا سطح سرمایه‌گذاری در کشور مطلوب نبود (به‌کیش، ۱۳۸۰). جریان اولیه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در قالب اخذ امتیاز از حکام ایران توسط دول و یا افراد خارجی بوده

است که این قراردادها غالباً جنبه استعماری داشته‌اند؛ به عنوان نمونه، می‌توان به قراردادهای رویترا، دارسی، شیلات شمال و... اشاره کرد. عملکرد استعماری این قراردادها باعث شکل‌گیری یک فرهنگ ناخوشایند نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی در کشور شده بود که تاکنون نیز ادامه دارد.

با تصویب قانون تجارت (۱۳۱۱) و قانون ثبت شرکتها (۱۳۱۰) جریان سرمایه‌گذاری خصوصی به کشور آغاز شد که هنوز هم ادامه دارد. مهم‌ترین حرکت جلب سرمایه‌گذاریهای خارجی، تصویب قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در سال ۱۳۳۴ و آیین‌نامه آن در سال ۱۳۳۵ است. پس از تصویب این قانون میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران افزایش یافت و این روند با افزایش درآمدهای ارزی و استحکام پیوند بازارهای داخلی و بازارهای بین‌المللی شدت گرفت. طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ جمعاً ۱۶۴۱ فقره شرکت ایرانی با سهامداران خصوصی خارجی در کشور ثبت شده است که بالاترین رقم آن در سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ به ترتیب تعداد ۴۹۸ و ۳۳۸ شرکت بوده است.

برای نشان دادن میزان سرمایه‌گذاریهای خارجی در کشور طی دوره قبل از انقلاب جدول (۲) تنظیم شده است که این سرمایه‌گذاریها را به تفکیک به بخش نفت و سایر بخشها آورده شده است.

جدول (۲) توزیع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران طی دوره ۱۹۶۲-۱۹۷۷  
(ارقام به میلیون دلار - درصد)

سال		۱۹۶۹-۱۹۶۲		۱۹۷۷-۱۹۷۰		۱۹۷۰-۱۹۶۲	
بخش	مبلغ	سهم	مبلغ	سهم	مبلغ	سهم	مبلغ
سایر	۶۲	۷/۲	۲۲۳۳	۹۳/۶	۲۲۹۵	۷۰/۴	
کل اقتصاد	۸۷۲	۱۰۰	۲۳۸۶	۱۰۰	۳۲۵۸	۱۰۰	

منبع: IMF, Balance of payment year book Vol.: 18,21,22 and 29-1978

همان طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، بعد از افزایش قیمت‌های نفت و افزایش سطح درآمدهای ملی کشورهای خارجی به سمت تولید سایر کالاها، یعنی بخش غیرنفتی وارد کشور شده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و ملی شدن بسیاری از واحدهای تولیدی، بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی با واگذاری سهام خود به دولت ایران از کشور خارج شدند. همچنین، به واسطه شرایط حاکم بر جامعه و وقوع جنگ تحمیلی، تا آغاز برنامه اول توسعه، به استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی توجه نشد. با پایان گرفتن جنگ، با توجه به کمبود منابع برای سرمایه‌گذاری و پایین بودن سطح فناوری در کشور، اقداماتی در خصوص جذب سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی تحت پوشش قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی صورت گرفت. به این ترتیب، سرمایه‌گذاری خارجی به صورتی که جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، وارد کشور شد.

جدول (۳) آمار سرمایه‌گذاری خارجی (سرمایه وارده)

سال	سرمایه‌گذاری خارجی	تسهیلات مالی (وام شرکا)	جمع مشارکت خارجی	سهام سرمایه	سهام تسهیلات خارجی
۷۲	۹۳۳/۶۸	۹۰۱/۳	۱۸۳۴/۹۸	۵۱	۴۹
۷۳	۱۴۱۰۲/۸۹	۲۲۴/۲۷	۱۴۳۲۷/۱۶	۹۸	۲
۷۴	۷۷۱۷۲/۶	۷۹/۷۵	۱۷۳۵۷/۳۵	۹۹/۵	۰/۵
۷۵	۲۲۳۲۱/۴۵	۳۷۰۴۹/۲۴	۵۹۳۷۰/۶۹	۳۷/۶	۶۲/۴
۷۶	۶۸۸۱/۸۱	۱۲۷۱۶	۱۹۵۹۷/۸۱	۳۵	۶۵
۷۷	۱۸۷۱/۹۹	۱۲۳۶/۴۹	۳۱۰۸/۴۸	۶۰	۴۰
۷۸	۴۳۴۰/۴۵	۳۵۷/۲۲	۴۶۹۷/۶۷	۹۲/۴	۷/۶
۷۹	-	-	-	-	-
جمع	۶۷۷۲۹/۸۷	۵۲۸۶۴۰/۲۷	۱۲۰۲۹۴/۱۴	-	-

ماخذ: استخراج شده از گزارش سازمان سرمایه‌گذاری (ارقام: هزار دلار - درصد)



همان طور که از جدول بالا نمایان است، سرمایه‌گذاران خارجی به طور متوسط حدود ۳۰۰ میلیون دلار در سال تمایل به سرمایه‌گذاری در کشور داشته‌اند؛ همچنین، بخش اعظمی از سرمایه‌گذاری خارجی به صورت تسهیلات مالی (وام شرکا) بوده است و سهم سرمایه‌گذاران خارجی در سطح پایین قرار داشته است. جریان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از رقم ۲۰۰ میلیون دلار در دوره قبل از انقلاب به رقم ۷۰۰ میلیون دلار در بعد از انقلاب رسیده است. سهم سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) از سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی (gross domestic investment (GDI)) از ۳ میلیون دلار در دهه پنجاه به ۲۰ میلیون دلار در دهه هفتاد رسیده است. در ضمن سهم سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنعت افزایش یافته است و از ۳۰ درصد در قبل از انقلاب به ۴۴ درصد در دهه هفتاد رسیده است. قبل از انقلاب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر در صنایع جایگزینی واردات از قبیل صنعت نساجی، اتومبیل، ... بود، اما بعد از انقلاب بیشتر در توسعه صادرات صناعی مانند صنایع دستی، پتروشیمی بوده است.

### ۳. الگو (مدل)

همان طور که در مقدمه نیز اشاره شد، اثر رژیم تجارت خارجی بر رشد ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی در کشور دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی اولین بار توسط باگواتی مطرح شد و توسط خود او و دیگران بسط و گسترش یافت. سرمایه‌گذاری خارجی یکی از عوامل رشد اقتصادی محسوب می‌شود، اما این امر با مانع و مشکلاتی مواجه است؛ از جمله این موانع مسئله راهبردهای رژیم تجاری است که به طور عمده راهبرد جایگزینی واردات (import substituting (IS)) و توسعه صادرات (export promoting (EP)) است.

اساساً کشورهایی که راهبرد جایگزینی واردات را در پیش می‌گیرند، از مزیت نسبی در بخشهای سرمایه‌برخوردار نیستند، لذا با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر در بخشهای سرمایه‌بر استفاده می‌شود. بنابراین، سرمایه‌گذاری خارجی اثر لازم را بر رشد اقتصادی نمی‌گذارند. از طرفی، سرمایه‌گذاری خارجی راهی برای ورود

بنگاههای خارجی برای فعالیت اقتصادی در کشور دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی است که این امر با اهداف راهبرد جایگزینی واردات در تضاد است.

اما در خصوص راهبرد توسعه صادرات وضعیت فرق می‌کند. تحت این راهبرد با توجه به نیروی کار و مواد اولیه ارزان این گونه کشورها سرمایه‌گذاران خارجی برای استفاده از این نهاده‌های ارزان انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری دارند. از طرف دیگر، وقتی راهبرد توسعه صادرات حاکم است، بازار محصول داخلی محدود به مرزهای داخلی کشور مزبور نیست بلکه فراتر از بازار داخلی و در سطح بین‌المللی از مقیاس بزرگ اقتصادی استفاده کرد.

سرمایه‌گذاری خارجی مهم‌ترین مسیر سرریز تحقیق و توسعه (R&D) از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه است (Grossman & Helpman, 1991). شرکتهای چند ملیتی که سهم زیادی از تحقیق و توسعه (R&D) دنیا را در اختیار دارند، از راههای مختلف از جمله آموزش نیروهای محلی، استاندارد کردن صنایع ما قبل و ما بعد، ایجاد فضای رقابتی در بین نگاه داخلی فناوری را به کشورهای دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی منتقل می‌کنند.

بنابراین راهبرد جایگزینی واردات برای جذب و هدایت سرمایه‌گذاری خارجی مستعد به نظر نمی‌رسد، در صورتی که راهبرد توسعه صادرات، شرایط و فضای مناسب را برای جذب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی را دارد.

بر اساس تحلیل نظری، روابط حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی و رژیم سیاستهای تجارت خارجی از چارچوب تابع تولید پیروی می‌کند. بنابراین، الگوی این مطالعه را بر اساس تابع تولید کل مبتنی می‌کنیم که به شرح زیر است:

$$Y = f(A, L, K) \quad (1)$$

که در آن  $Y$  تولید یا محصول [تولید ناخالص داخلی (GDP)] است. و  $L$  نماد نیروی کار و  $K$  نشانگر سرمایه فیزیکی است. ضریب  $A$  نشان‌دهنده رشد ناشی از بهره‌وری است و شامل رشد ناشی از  $L$  و  $K$  نمی‌شود. بر اساس نظریه‌های رشد درونزا،  $A$  از خود (درون) الگو تعیین می‌شود و یک متغیر درونزا است. اثر سرمایه‌گذاری نیز در  $A$  متبلور می‌شود. از طرف دیگر، اثر سرمایه‌گذاری خارجی روی

A به رژیم سیاست خارجی نیز وابسته است؛ بنابراین، اگر نماد راهبردهای تجارت خارجی را TP تعریف کنیم، داریم:

$$A = G(\text{FDI}, \text{FDI} * \text{TP}) \quad (2)$$

اگر (۲) را در (۱) جایگزین کنیم:

$$Y = F(L, K, \text{FDI} * \text{TP}) \quad (3)$$

بنابراین، رشد اقتصادی در این الگو به نیروی کار، سرمایه‌گذاری داخلی، سرمایه‌گذاری خارجی و سرانجام، به راهبردهای تجارت خارجی وابسته است. یکی از ویژگیهای مهم راهبردهای تجاری (TP) درجه باز بودن است. در خصوص درجه باز بودن رژیم سیاستهای تجاری معیار و شاخص واحدی وجود ندارد؛ لذا در این مطالعه ما از گزینه‌های مختلفی استفاده می‌کنیم: الف، نسبت تجارت کالاها (واردات + صادرات) به تولید ناخالص داخلی کالایی (یعنی کل تولید ناخالص داخلی منهای ارزش افزوده بخش خدمات و ساختمان)؛ ب، نسبت ارزش صادرات به ارزش افزوده بخش صنعت؛ ج، نسبت قیمت‌های جهانی به شاخص قیمت‌های داخلی بخش صنعت. شاخص اول از آن جهت مورد توجه است که شامل فعالیت غیرتجاری که نقش اساسی در جذب و هدایت سرمایه‌گذاریهای خارجی دارد، است (Rivera-Batiz & Rivera-Batiz, 1994). شاخص دوم، مبتنی بر این استدلال است که لازمه موفقیت در تولید کالاهای صنعتی داشتن بازار باز خارجی و باز بودن اقتصاد است. به عبارت دیگر، صادرات موفق کالاهای صنعتی تحت شرایطی به وجود می‌آید، سازوکار اقتصادی و سیاستهای تجاری کشور بر اساس مزیت واقعی کشور تنظیم شود (Edward, 1993)، اما توجیه عقلانی شاخص سوم به این صورت است که تحت تجارت آزاد قیمت کالاهای صنعتی به موازات قیمت‌های جهانی حرکت می‌کنند، لذا ارزش پولی - ملی تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ اما زمانی که موانعی تجاری همچون تعرفه گمرکی و سهمیه بازار و... وجود دارد، آن گاه قیمت داخلی بیشتر از قیمت جهانی می‌شود و نسبت قیمت جهانی ( $P_w$ ) به قیمت داخلی ( $P_d$ ) که همان شاخص سوم است، کاهش پیدا می‌کند. آزادسازی تجاری این دو قیمت را به هم نزدیک می‌کند؛ بنابراین، در کشورهایی که از راهبرد جایگزینی واردات به راهبرد

توسعه صادرات تغییر رویه دهند، به افزایش شاخص سوم تمایل خواهند داشت (Athukorala & Rajatirana, 2000; Krueger, 1978).

سرانجام، با توجه به شاخصهای توضیح داده شده، الگویی که برای برآورد تجربی الگو به کار می رود، به شرح زیر است:

$$Y_t = a + B_1 L_t + B_2 K_t + B_3 FDI_t + B_4 (TP_t * FDI_t) \varepsilon_t \quad (4)$$

در این الگو:

$Y$  = تولید ناخالص داخلی GDP (به صورت لگاریتمی)

$L$  = (+) تعداد نیروی کار (به صورت لگاریتمی)

$K$  = (+) سرمایه داخلی

$FDI$  = (-/+) سرمایه گذاری خارجی

$TP$  = (+) میزان باز بودن رژیم تجارت خارجی که به وسیله گزینه های زیر نشان

داده می شوند:

الف.  $OPEN1$ : نسبت حجم تجارت (صادرات + واردات) به تولید ناخالص داخلی منهای ارزش افزوده بخش خدمات و ساختمان } (تولید ناخالص داخلی منهای ارزش افزوده بخش خدمات و ساختمان) (حجم تجاری) {

ب.  $OPEN2$ : نسبت ارزش صادرات به ارزش افزوده بخش صنعت

ج.  $OPEN3$ : نسبت قیمتهای جهانی به شاخص قیمتهای داخلی بخش صنعت

$t$  = زمان

$\varepsilon$  = جزو اخلال

ضرائب  $B1$  و  $B2$  به ترتیب کشش تولید نسبت به نیروی کار و سرمایه را نشان می دهد. اثر سرمایه گذاری خارجی ( $FDI$ ) روی رشد اقتصادی ( $Y$ ) از راه مشتق نسبت  $Y$  به  $FDI$  به دست می آید که برابر با عبارت  $B_3 + B_4 * TP$  است. برای بررسی نظریه باگواتی باید ضریب بررسی شود. بر اساس نظریه باگواتی باید علامت ضریب  $B_4$  مثبت و معنادار باشد؛ یعنی اینکه سهم سرمایه گذاری خارجی در رشد اقتصادی تابع صعودی از رژیم سیاست تجاری است. علامت  $B_3$  مبهم است، این علامت می تواند مثبت یا منفی باشد.

#### ۴. داده‌ها و روش برآورد تحقیق

الگوی اخیر با استفاده از داده‌های سالانه برای دوره ۱۳۵۷-۱۳۸۰ برآورد می‌شود. داده‌ها و آمار تولید ناخالص داخلی تولیدات صنعتی و سرمایه‌گذاری از حسابهای درآمد ملی استخراج شده است. اولین گام برای برآورد الگو بعد از جمع‌آوری آمار، بررسی ویژگیهای مانایی و هم‌انباشتگی متغیرهاست (رک. کتاب اقتصادسنجی گجراتی، ترجمه حمید ابریشمی). برای این منظور، از آزمون دیکی-فولر استفاده می‌کنیم. نتایج این آزمون در جدول شماره (۴) نمایش داده شده است.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهای الگو

متغیرها	آماره ADF	مقدار بحرانی %۹۹ مک کینون	مقدار بحرانی %۹۵ مک کینون	مقدار بحرانی %۹۰ مک کینون
تولید ناخالص داخلی (Y)	-۲/۸۹	-۴/۲۷۱۲	-۳/۵۵۶۲	-۳/۲۱۰۹
سرمایه‌گذاری خارجی (FDI)	-۲/۲	-۴/۲۷۱۲	-۳/۵۵۶۲	-۳/۲۱۰۹
نیروی کار (L)	-۱/۱۴	-۴/۲۷۱۲	-۳/۵۵۶۲	-۳/۲۱۰۹
سرمایه داخلی (K)	-۱/۳۲	-۴/۲۷۱۲	-۳/۵۶۱۴	-۳/۲۱۰۹
نسبت حجم تجارت (صادرات+ واردات) به تولید ناخالص داخلی منهای ارزش افزوده بخش خدمات و ساختمان (OPEN1)	-۱/۴۸	-۴/۲۷۲۶	-۳/۵۵۶۲	-۳/۲۱۳۸
نسبت ارزش صادرات به ارزش افزوده بخش صنعت (OPEN2)	-۱/۴۶	-۴/۲۷۲۶	-۳/۵۵۶۲	-۳/۲۱۳۸
نسبت قیمت‌های جهانی به شاخص قیمت‌های داخلی بخش صنعت (OPEN2)	-۲/۶۲	-۴/۲۷۲۶	-۳/۵۵۶۲	-۳/۲۱۳۸

جدول مذکور نشان می‌دهد که همه متغیر ساکن از درجه یک (1) است؛ یعنی متغیرها بعد از یک بار تفاضل‌گیری ساکن و مانا می‌شوند. پس از بررسی ویژگیهای متغیرها برای برآورد معادله شماره (۴) از روش انگل-گرنجر استفاده می‌کنیم.

#### ۵. نتایج تجربی

در این بخش به تحلیل نتایج رگرسیونی می‌پردازیم، نتایج رگرسیونی در جدول شماره (۴) خلاصه شده است:

جدول شماره (۵): نتایج برآورد الگو بر اساس سه گزینه باز بودن اقتصاد

متغیرها	Openness1	Openness2	Openness3
	EG	EG	EG
عرض از مبداء	۸/۸۳	۸/۶	۸/۱۵
	(۲۲/۵۴)	(۲۸/۳۸)	(۱۴/۱۲)
L	۱/۴۲	۱/۴۳	۱/۶۴
	(۹/۲۵)	(۱۱/۴۱)	(۶/۷۹)
K	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۲
	(۴/۹۹)	(۶/۷۵)	(۲/۳۶)
FDI	-۰/۵۵	-۰/۱۵	-۰/۳۶
	(-۴/۹۱)	(-۳/۹۹)	(-۱/۵۲)
OPEN1*FDI	۰/۴	۰/۶۲	۰/۳۱
	(۵/۷۹)	(۷/۵۸)	(۱/۹)
$\Delta\Phi$	-۲/۶	-۴/۱۹	-۱/۶۶

توجه

۱. EG=Engle-Grenger estimation.

۲. اعداد داخل پرانتز آماره آزمون  $t$  را نشان می‌دهد.

۳. الف. OPEN1: نسبت حجم تجارت (صادرات + واردات) به تولید ناخالص داخلی منهای ارزش افزوده بخش خدمات و ساختمان [تولید ناخالص داخلی منهای ارزش افزوده بخش خدمات و ساختمان]/(حجم تجاری)]

ب. OPEN2: نسبت ارزش صادرات به ارزش افزوده بخش صنعت

ج. OPEN3: نسبت قیمت‌های جهانی به شاخص قیمت‌های داخلی بخش صنعت

۴. DF آماره آزمون  $t$  متناظر با باقیمانده‌های با وقفه از آزمون ریشه واحد DF روی باقیمانده‌هاست. مقادیر بحرانی ۹۵ و ۹۰ درصد برای رد فرضیه که باقیمانده‌ها  $I(0)$  می‌باشند به ترتیب -۴,۴۸ و -۴,۰۹ می‌باشند؛ این مقادیر بحرانی از جدول سطح پاسخگویی که توسط مک‌کینون (۱۹۹۱) بسط پیدا کرده است، استخراج شده است.

نتایج مبتنی بر گزینه روش تخمین، یعنی روش انگل- گرنجر ضریب  $\beta_4$  به شدت متفاوت از صفر است و با نظریه همخوانی دارد و فرضیه باگواتی را تقویت می‌کند. این ضریب نشان می‌دهد که اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی بر اثر تغییر راهبرد جایگزینی واردات به راهبرد توسعه صادرات بیشتر شده است. همچنین، معنادار بودن و علامت منفی ضریب  $\beta_3$  که تحت سیاست جایگزینی واردات رشد اقتصادی منفی بوده است. ارزیابی مقدار متوسط شاخص OPEN2 در طی سه دهه گذشته نشان می‌دهد که سهم سرمایه‌گذاری خارجی در رشد اقتصادی ایران منفی و در حدود ۲٪ بوده است.

نتایج حاصل شده از این مطالعه با نتایج مطالعات پیشین در خصوص بررسی فرضیه باگواتی سازگاری دارد. تحت رژیم سیاست جایگزینی واردات IS حمایت شدید دولت از صنایع داخلی به سرمایه‌گذاران خارجی اجازه رقابت با این صنایع را نمی‌دهد. بنابراین، سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر جذب صنایع محلی می‌شود که ظرفیت و استعداد لازم را برای به کارگیری این سرمایه‌ها ندارند؛ لذا سرمایه‌گذاری بازدهی لازم را ندارد؛ در نتیجه، سهم سرمایه‌گذاری خارجی در رشد اقتصادی پایین می‌آید.

### جمع‌بندی

هدف از این مقاله و مطالعه بررسی نظریه باگواتی (که رشد حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی تحت شرایط راهبرد جایگزینی واردات کمتر از زمانی است که راهبرد توسعه صادرات در پیش گرفته می‌شود)، بر اساس داده‌های سری زمانی برای ایران بود. بدین منظور، ابتدا آزمونهای ریشه واحد و هم‌انباشتگی انجام گرفت. این نتایج هیچ گونه هم‌انباشتگی بین متغیرها را تأیید نکرد، لذا آزمون انگل- گرنجر می‌تواند برقرار باشد. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که رشد اقتصادی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی تحت سیاست توسعه صادرات بیشتر از رژیم یا راهبرد جایگزینی واردات است و فرضیه باگواتی در مورد ایران صادق است.

### کتابنامه

- عظیمی، حسین (۱۳۷۴). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. [تهران]: نشر نی.
- مرکز آمار ایران. سالنامه آماری. سالهای مختلف.
- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: طی سالهای مختلف ۱۳۳۸-۱۳۸۰.
- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۱). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران: نشر نی.
- برادران شرکاء، بیژن صفوی (۱۳۷۶). «بررسی رشد صنعتی ایران: راهبرد توسعه صادرات صنعتی». پژوهشنامه بازرگانی. شماره ۳، صص ۵۵-۷۰.
- Akrasanee, n. (1997). **The Struture of Effective Protection in Thailand: A Study oy Industrial and Trade Policies in the Early 1970's**. Bangkok.
- Athukorala, P. and S. Chand (2000). "*Trade orientation and productivity gains from international production: a study of overseas operation of United States TNCs*". **Transnational Corporations**. Vol 9(2). pp. 1-27.
- Athukorala, P. and S. Rajapatirana (2000). **Liberalization and Industrial Transformation: Sri Lanca in International Perspective**. Oxford: Oxford University Press.
- Balasubramanyam, V.N., M.A. Salisu, and D. Sapsford (1996). "Foreign direct investment and growth in EP and IS countries". **Economic Journal**. Vol 106 (434), p.369-407.
- Barro, R.J. (1999). **Determhnants of Economic Growth: a Cross-Country Empirical Study**. Cambridge: MIT Press.
- Bhagwati, J.N., (1973), "*The theory of immiserrizing growth; further applications*". in M. Connolly and A. Swoboda (eds.). **Internation Trade and Money**. Toronto: University of Toronto Press, pp. 45-54.
- Id, (1978). **Anatomy and Consequences of Exchange Control Regimes**. New York: Balinger Publishing.
- Id, (1985). **Investing Abroad: Esmèe Fairbairan Lectuer**. Lancaster: Lancaster University Press.
- Id, (1994). "*Free trade:old and new challenges*". **Economic Journal**. Vol 104(423), pp.231-246.



- Blomström, M., A. Kokko, and M. Zejan (2000). **Foreign Direct Investment: Firm and Host Country Strategies**. New York: St. Martin.
- Borensztein, E., J.D. Gregorio, and J.J.W Lee (1988). "How dose foreign direct investment affect economic growth?". **Journal of International Economics**. Vol 104(45), pp.115-35.
- Brecher, R.A and Carlos F. Daiz Alejandro (1997). "Tariffs, foreign capital and immiserizing growth". **Journal of International Economics**. Vol 7(3), pp.317-322.
- Brecher, R.A and R. Findlay (1983). "Tariffs, foreign capital and national welfare with sectorspecific factors". **Journal of International Economics**. Vol 14, pp.277-288.
- Caves, R.E. (1996). **Multinational Enterprise and Economic Analysis**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Edwards, S. (1998). "Openness, productivity, and growth: what do we really know?". **Economic Journal**. Vol 108, pp. 383-98.
- Grossman, G. and E. Helpman (1991). **Innovation and Growth in the Global Economy**. Cambridge: MIT Press.
- Krueger, A.O. (1978). **Foreign Trade Regims AND Economic Developmnet: Liberalization Attempts and Consequences**. Cambridge: Ballinger Publish Co. for NBER.
- Lipsey, R.E. (2002). "Inward FDI and economic growth in developing countries". **Transnational Corporations**. Vol 9(1), pp. 67-95.
- Lipsey, R.E. (2002). "Foreign direct investment and the operation of multinational firms: concepts, history and data". **NBER Working Paper** 8665. Cambridge: MA: National Bureau of Economics Research (NBER).
- Ponpisanupichit, J. (1985). **Private Direct Investment and Thai Economic**. Ph.D. dissertation, Cornell University.
- Rivera-Batiz, F. and L.A. Rivera-Batiz (1994). **International Finance and Open Economy Macroeconomics**. New York: Macmillan Publishing. Second Edition.
- Xu, B. (2002). "Multinational enterprises, technology diffusion, and host country productivity growth". **Journal of Development Economics**. Vol 62, pp. 477-93.